شهرسازی واسکان شهری غیر مجاز

درادامهء کوشش جهت خصلت یابی وشناخت ویژگیهای ساختاری مختلف ء روند شهرنشینی معاصر کشور، بگونه ای که بتوان به استناد انها وضع موجود رامشخص ترشناسائی نمود ، ویژگیهائی های ساختاری متنوعی مطرح شده ، مورد بحث قرارگرفتند ؛ ویژگیهائی که ، نقش بسیارتعیین کننده ای درشکل گیری وضع موجود وگرایشهای غالب ان را دارند .

باتوجه به انچه تاکنون در بخشهای پیشین این سایت مطرح گردید : مهمترین گرایشء روند شهرنشینی معاصرکشور، استقرارمتمرکزدرفضا ، خاصه در منطقه کلان شهری تهران ، میباشد . تمرکزی که میتوان گفت : بطورکلی معلول ، **انکشاف اقتصاد مبتنی بربازاردریک وضعیت توسعه نیافته پیرامونی** ، است . البته باید اضافه نمود : این انکشاف بسته به شرایط ساختاری تاریخی دوران معاصر جامعه ما – وضع موجود بخش شهری کشورومشروط کننده های ساختاری و موقعیت منطقه ای ان – ازنظرکمی وکیفی ، شکل تحقق خاص خود را داشته است . اما دراین رابطه انچه سعی نمودیم بیشتر برجسته نمائیم ، این واقعیت بود که : تمرکرمذکور برخلاف برداشت رایج وغالب میان دست اندرکاران وبرخی کارشناسان ما ، که مرتبا این ویا ان راهکاررا برای اجتناب ازان پیشنهاد مینمایند ، توجه ندارند، که گرایش به تمرکز دراین مرحله ازتوسعه کشورعملا"«غیر قابل اجتناب » است ! بنابراین ، اگرفرض غیرقابل اجتناب بودن انرا ، که جهت اثبات ان ادله بسیاری دربخشهای پیشین این سایت ارائه شد ، بپذیریم ؛ دراین صورت علت ناکارائی طرحها وبرنامه ریزی های جاری ، که دربخش شهری کشوربه اجرا درامده اند ، بروشنی مشخص خواهد شد . همچنین دراین زمینه این مهم نیزمطرح گردید که : اگرچه علل تمرکز مورد بحث را باید درانکشاف اقتصاد مبتنی بربازاردروضعیت توسعه نیافته پیرامونی – البته با توجه به ویژگیهای ساختاری تاریخی دوران معاصرکشور- جستجو نمود . اما تشدید مشکلات وگاه تبدیل به معضل شدن مشکلی دراین زمینه ، در شرایط کنونی ، ازیک سوبه علت تحولاتی استکه درسطح جهان ، دردهه های پایانی سده گذشته درنظام سرمایه داری بوقوع پیوست . تغییراتی که تاثیر مستقیم ویا غیرمستقیم ان -

خاصه با تحمیل ویا تاثیرغیرمستقیم نسخه های اقتصادی نئولیبرالی درسطح جهان وتاثیران براوضاع اقتصادی جاری - درتشدید مشکلات مذکوردرکشورما نیزاثرداشت . ازسوی دیگربکارگیری الگوهای – دراین مورد برنامه ریزی شهری - کلیشه ای و سیاست گزاری های دستوری ، نظیراهدافی که طرحهای جامع درکلان شهرهای کشور پی میگیرند ، همچنین سیاست گزاری هائی که به اصطلاح جهت "تمرکز زدائی " اتخاذ گردیده اند - سیاست گزاری هائی که در تقابل باروند های در جریان بوده - بگونه ای عمل نمودند که ، بجای حداقل تعدیل مشکلات ، خود مزید برعلت شدند . انچنانکه برون رفت رفع ویا تعدیل مشکلات پیش رو را در بعضی موارد تقریبا" غیر ممکن نمودند . این وضعیت به گونه ای درجریان بوده وهست که ، بواقع وبا استناد به انچه شاهد انیم ، چنین بنظرمیرسدکه : گوئی ما امرمهم توسعه شهری کشور ، درراستای پاسخگوئی به مطالبات واقعی مردم و به بیانی دیگرهم اهنگ نمودن تحولات ان با روند توسعه کشورکه ، مشروط به فراهم اوردن شرایط همه جانبه اقتصادی اجتماعی وبویژه سیاسی میباشد ، را میخواهیم با تصورات عمدتا" کلیشه ای خود ، بااین یا ان طرح که اکثرا" بیش ازمشتی توهمات وارزوهای نشدنی نیستند ، بصورت سلبی ودستوری همراه با محدویت های متنوع ومصوبات این ویا ان شورا و یا توصیه این یا ان مشاور ، به سرانجام برسانیم !؟ هنگامی که این اقدامات را ه بجائی نمیبرند ومشکلات را تشدید میکنند ، باکمال تاسف ، با طرح توهمات نا شدنی دیگرنظیرانچه این روزها شاهد آنیم ، مانند : تخلیه تهران ! انتقال پایتخت ، مهاجرت معکوس و سایرنسخه های پولپوت گونه هم ، مشکل را به معضل تبدیل مینمائیم ، وهم موجب بی اعتباری سیاست گزاری وتصمیمات اتخاذ شده نزد افکار عمومی میشویم .

اکنون علاوه بر« گرایش به تمرکز» که یکی ازگرایشهای تعیین کننده دراین وضعیت است ، روند مذکوردارای ویژگیهای عمدتا"ساختاری دیگری هم میباشد . این ویژگیها درهمهء ابعاد ، اقتصادی ، اجتماعی- جمعیتی ، سیاسی- نهادی، اکولوژیکی وبلاخره فیزیکی- فضائی ، مطرح اند .

در بعد فضائی - فیزیکی : شهری ، منطقه ای وسرزمینی هم با ویژگیهای ساختاری متنوعی مربوط به این مرحله ازتوسعه مان مواجه ایم . ازانجمله دربخش شهری : با **جدانشینی شهری** ، **چند پارگی فضائی شهر** ، **حاشیه نشینی** ویا شکل گیری فضاهای شهری **غیرمجاز**(البته فعلا" بیشتر در سطح کلان

شهرها) ودرسطح وسیع تر - در شبکه وسیستم شهرهای کشور: با **ضعف روابط درون پیکره شبکه شهرهای کشور** از یکسو و عقب ماندگی ارتباط **وعملکرد متقابل شبکه وسیسستم شهرهای کشور** از سو دیگر وبلاخره شماری ازسایرمشکلات را میتوان نامبرد که ، هرکدام میباید بنوبه ودرجای خود موردتوجه ووبررسی همه جانبه قرار گیرند .

اگرشکل گیری ویا درنهایت «هیئت» فضائیء استقرارهای جمعیتی دراین روند – استقرار شهری در قلمرو ملی - عمدتا"بصورت تمرکزدرمرکزکشوراست . ویژگیهای تعیین کننده دیگران به شرایط کمی و کیفی این استقرارها ، انهم فعلا"(دراین مرحله خاصء توسعه کشور) با گرایش به تمرکز، مربوط میشوند .

اگرچه ، روند شهرنسینی مورد بحث ، ویژگی عمده اش تمرکز است . این روند درمراحل مختلف و پی درپی خود دچارتشدید دوگانگی های مختلف نظیر: قطبی شدن polarization ، جدانشینی segregation جامعه شهری وسایرعارضه های ساختاری مشابه میگردد. یعنی گذشته از اینکه «تمرکز» ذاتی وویژگی ساختاری شهرنشینی کنونی ماست ، راند ن وطرد مداوم اقشارکم درامد جامعه شهری به حاشیه ، یا اینکه محروم نمودن exclusion انها ازیگانه شدن باجامعه شهروادامه سکنی دران نیز ویژگی ساختاری دیگر شهرنشینی معاصراست ! بدین صورت که میتوان گفت : روند شهرنشینی ما ازهنگامی که بتدریج با شتاب مواجه شد روندی دوگانه وقطبی شده بود ، یعنی بخش اعظم جمعیت در حال جابجائی ، درواقع پیش از اینکه جابجا شوند ، درحاشیه بودند ! تحولات وتوسعه اقتصادی ، اجتماعی سیاسی ، وفیزیکی شهرنشینی ما بمیزانی نبوده ، که حتی درحد نسبی به یگانگی (انتگراسیون) اجتماعی بخش درحاشیه بیانجامد. بلکه درتغییروتحولات بعدی دوگانگی وقطبی شدن جامعه شهری تشدید هم شد ند .

چگونگی تحقق این روند ومراحل مختلف رانده شدن این اقشار ، که نهایتا درکل منطقه کلانشهری شامل بخش بزرگی از جامعه ان میشود را ، بگونه ای مشخص در بحثهای قبلی خاصه در : *شهرسازی وروند کلان شهرشدن تهران* ، *م کاظمی* ، همین سایت مطرح نمودیم . دراین بحث ملاحظه شد : در مراحل مختلف گسترش کلان شهرتهران ، بفرض ، در جهت شمال ان وپیوستن تهران به شمیران ، چگونه

مرحله به مرحله اقشار فرودست تردرتگنا قرارگرفته ونهایتا" ، درمرحله غالب شدن برج سازی برفضای ساخت وساز ها ی شهر، بتدریج اکثریت قریب به اتفاق این شهروندان به حاشیه رانده شدند .

هدف ما دراین بحث فقط ، برجسته نمودن شرایط حاکم برافشار فرودست دراین روند شهرنشینی و اشاره به ازدست رفتن حق بهره مند شدنشان ازامکانات وتسهیلات شهری نیست . هرچند این پدیده درجای خود به توجه همه جانبه نیازدارد . بلکه انچه در پی انیم ازیک سو ، ترسیم واقع گراتر وضعیت حاکم بر روند شهرنشینی معاصر واز سوی دیگرملاحظه ء بیگانگی وعدم توجه برنامه ریزی های کلیشه ای کنونی با این واقعیتها ودر نهایت ریشه یابی نا کارامدی ومزید برعلت شدن ، سیاست گزاری های جاریست .

همانگونه که میدانیم دراکثریت قریب به اتفاق کلان شهرهای جهان درحال توسعه امروزه باتشدید پدیده گسترش شهری **غیر مجاز** ، بصورت افزایش حاشیه نشینی ، مواجه ایم . افزایشی که تشدید وشتاب گیری ان دراکثرکلان شهرهای جوامع درحال توسعه دردهه های پایانی سده گذشته ناشی ازتاثیر مضاعفء - البته مخربء - نسخه های توسعه اقتصادی نئولیبرالی ، وبیش ازان بکار گیری ودرواقع تحمیلء برنامه ریزی استراتژیک شهری – الگوی شهرسازی نئولیبرالیسم - در وضعیت هائی که همواره مسئله حاشیه نشینی را داشته اند ، بوده است . دراین رابطه بعنوان مثال : درکشور برزیل ، هنگامی که ارمینا ماریکاتو Ermina Maricato –1 (مسئول ومشاور مسکن وشهرسازی دردولت لولا دا سیلوا) تحولات وضعیت حاشیه نشینی واستقرارهای غیر مجاز ، در دهه های پایانی سده گذشته را مورد بررسی قرار میدهد ، میگوید : " . . . *اهنگ رشد تفکیکها ، احداث وساخت وسازهای غیر مجاز الونک ، زاغه ، کپر، محقر نشینی در حاشیه شهرهای بزرگ ، بسیار بیشتر از درصد متوسط شهر نشینی در کشور میباشد . یا اینکه شهرهای بزرگ بیشتر در حاشیه شان گسترش مییابند . پدیده ای که موجب تقویت عملکرد ساختاریء فضاهای غیرمجاز در ترکیب فضای شهری شده است . دراین وضعیت ودر عمل ، ساختار شهری مجاز خودرا به بخشی ازفضای شهر محدود نموده ، که بتدریجفضای شهری کمتری را شامل میشود .*

1- ارمینا ماریکاتو Armina Maricota در:جهانی شدن و سیاست شهری درپیرامون جهان سرمایه داری. سائوپائولو 2007

درحالی که الونک نشینها (Favelados) در سال 1970 فقط 1% مساحت شهر سائو پالو را تشکیل میدادند ، درسال 2000 بیش از 20% مساحت شهر را شامل میشدند . این وضعیت بصورتی در امده که امروزه ، بطورمتوسط 30% فضای شهرهای بزرگ برزیل را الونک نشینها تشکیل میدهند ، در برخی از شهرهای بزرگ مانند ، بِلِم Belem فضائیکه الونک نشینان را دربرمیگیرد ، به 50%وسعت شهررسیده است . "

همچون سایرکلان شهرهای مسئله دارجهان درحال توسعه ، وضع بوجود امده درکلان شهرهای کشورما نتیجه ناتوانی دیر پای وضعیت اجتماعی- سیاسی ایستکه دران دستگاه اجرائی ومسئول امورتوسعه شهری ، قادر نبوده همراه با افزایش جمعیت وگسترش شهر، ارائه کیفیت بهتری ازفضای شهری وتسهیلات مربوطه انرا فراهم اورند . دراثراین ناتوانی گوئی - درحقیقت – شیرازه اموركم وبیش ازهم پاشیده شده ودستگاهء مسئول امورازقافله عقب مانده وابعاد مشکلات به حدی رسیده که اقدامات ضروری ، به انجام برخی اقدامات موردی ونمایشی ، محدود گشته است .

در واقع همچنانکه دراینگونه وضعیت ها با تقسیم اجتماعی نابرابرکار، درامد وفرصت های اجتماعی مواجه ایم ، در سطح شهر و بهره وری همگان ازامکانات ان هم باتقسیم نابرابر وبشدت قطبی شده تقسیم اجتماعی فضا و امکانات شهری مواجه ایم . که نتیجه طبیعی وغیرقابل اجتناب ان : طرد exclusion ومحرومیت مداوم اقشارکم درامد ازشهرویا ازبهره مندی حداقل ازامکانات شهری ، تشدید قطبی شدن جامعه شهری ودر نتیجه شکل گیری جدانشینی ، چند پارگی ساختار فضائی شهروبلاخره گسترش حاشیه نشینی وافزایش ایجاد سکونت گاه های **غیر مجاز** ویا **غیررسمی** ، میباشد .

عوامل تشدید کننده گسترش فضاهای شهری غیر مجاز.

با این وصف ، هنگام جستجوی علل تشدید روند مذکور در شرایط کنونی ، با دوگروه عوامل تعیین کننده وتاثیرگزار مواجه ایم . نخست : عوامل ویا علت هائی که بطورکلی موجب شکل گیری چنین پدیده

ویا ساخت وسازها وایجاد فضا های غیر مجاز میشوند . علت بوجود امدن پدیده مذکور، در جامعه ماهم ، بدون هیچ شک وتردیدی تداوم توسعه نیافتگی ویا دقیق تر، انکشاف اقتصاد مبتنی بربازاردر یک وضعیت توسعه نیافته پیرامونی است . البته انهم ، باتوجه به تمام مشروط کننده های ساختاری- تاریخی خاصی که این انکشاف یا در واقع روند تحولات اقتصادی در دوران معاصرجامعه ما با ان مواجه بوده است . اکنون انچه باید درنظرداشت این استکه : دراین رابطه هرگونه تحلیل دیگری که ، علل ساختاری پیش گفته را مبنی قرار نداده ، بوجود امدن پدیده مذکوررابه دلایل دیگری که اغلب خود «معلول » این وضعیت هستند ، مانند : افزایش جمعیت ، مهاجرت های به اصطلاح" بی رویه "ومشابه ان بدا ند ، ازواقعیت دورشده وتبیین پدیده فوق را به انحراف کشانده است .

مسئله دومی که دررابطه با چگونگی این پدیده بسیار مهم وقابل توجه است ، عملکردعوامل مضاعفی است که ، میتوانند موجب تعدیل ویا تشدید این روند- روند گسترشء برپائی وشکل گیری فضاهای غیر مجاز شهری - شوند . امروزه درسطح کلان شهرهای جهان درحال توسعه که **بدون استثنا** با پدیده مورد بحث حال کمتر یا بیشتر مواجه اند ، مسئله مهم ، توجه به عواملی است که که موجب شدت گرفتن گسترش ان میشوند . همانگونه که قبلا" ، مورد سائو پاولو دربرزیل ، مطرح شد . ملاحظه گردید، درانجا ، اغلب صاحب نظران ، **شدت یافتن** گسترش این پدیده را سیاست های اقتصادی نئولیبرالی وامکان جولان وسیع سرمایه مالی ودرواقع سوداگر بین المللی که درقالب طرحهای استراتژیک توسعه شهری به این کلان شهرها وارد شدند ، میدانند .

اما انچه دررابطه با شدت گسترش این پدیده در بخش شهری ویا در کلان شهرهای کشور خاصه درتهران میتوان مطرح نمود این پرسش استکه : ما در تهران فرضا" وبعنوان مثال با ورود انچنانی سرمایه های سوداگر وحباب سازبین المللی نظیر کلان شهرهائی چون سائو پائولو در برزیل ، ویا بانکوک در تایلند ویا سیرک برج سازی برپاشده در دبی وسایر نقاط واقع در حاشیه جنوبی خلیج فارس مواجه نبودیم ؛ پس چرا حاشیه نشینی وگسترش فضاهای شهری غیر مجاز در کلان شهرهای ماهم شدت یافته است ؟ در پاسخ به این پرسشء واقعا" بسیارمهم وقابل توجه ، باید گفت : دراین سالها ویا مشخصا" در

این سه چهاردهه گذشته ، ازیک سو اوضاع اقتصادی کشورماهم ازتاثیرات مخرب سلطه نئولیبرالیسم براقتصاد جهانی مصون نبوده ، ازسوی دیگرسیاست گزاری ها ی پرتناقض ودرتقابل با ضروریات روند توسعه جاری کشور، بخصوص در ده بیست سال گذشته ، که بصور مختلف بگونه ای دستوری اعمال شدند ، مانند : محدویت های وسیع توسعه کلان شهرها – ویا درواقع تداوم سیاست های به بن بست رسیده قبل ازانقلاب ! - که انهم علی رغم همه ء این محدویت ها شاهد برپائی نهضت برج سازی بودیم !؟ بگونه ای ایکه ، گوئی : محدویت های مذکور بیشترجهت بازارگرمی سوداگران اعمال شدند ! تانیل به توهم جلوگیری ازگسترش شهر تهران ! علاوه بران ، نفوذ سوداگران ساختمانی ، درقالب انبوه سازان ویا سایرذینفع ها ، ازانجمله دست اندرکاران وخط دهندگان وتوجیه کنندگان احداث شهرهای جدید - انهم عملا" روی دست مانده - تراکم فروشی وسایرتصمیمات بیگانه باعوامل مشروط کننده وضع موجود ، همگی دست به دست هم داده ووضعیتی - البته درابعاد محدود تر- مشابه انچه سوداگران بین المللی درکلان شهرهائی نظیر بانکوک ویا سائوپالو برپا کردند ، بوجود اوردند .

همه این تناقضات وتوهمات ، وبلاخره و درواقع رواج برداشتهای توجیه کننده مذکوررا ، با کمی تامل ودقت ، میتوان عملا"خط دهی ذینفع های مذکوردانست . برداشت ها ایکه معمولا" ظاهری حق بجانب دارند - همانند همه ی سیاست گزاری های سلبی ودستوری رایج - اما در واقع در« تقابل» باروند های جاری اند . سیاست گزاری هائی که درعمل جاده صافکن جولان سرمایه های سوداگر وخط دهی انها در رابطه با تحولات بعدی شهری میشوند . بلاخره نتیجه دیگراین وضعیت اختلال در روند توسعه عمومی کشور است . اختلالی که درنهایت حاصل ان ، درعمل ، ازیک سو گسترش شهری غیر مجاز وازسوی دیگر تضمین کننده تداوم ان میباشد !؟

اکنون انچه قصد برجسته نمودن انرداریم این استکه : وجود وگسترش شهری غیرمجاز بجای خود . اما چرا این پدیده دردهه ها اخیر وهم اکنون درحال تشدید شدن است ؟ درپاسخ باید گفت تاثیر نسخه های نئولیبرلی وبکارگیری الگوهای کلیشه ای که درواقع دوعامل مکمل یکدیگرهستند را باید علت تشدید این گسترش ، دانست . چرا؟ درمورد تاثیرو درواقع تحمیل نسخه نئولیبراستی توسعه اقتصادی امروزه شواهد

پژوهش ومستندات وسیعی وجود دارند که اکثرا" سروران گرام باانها اشنا هستند . امادرمورد الگوهای کلیشه ای جاری که در شهرسازی وهدایت توسعه شهری ما رایج بوده ومادربخشهای قبلی بکرات به ان اشاره داشته ایم ، انچه دربرجسته نمودن ان تاکید داریم : مسئله « تقابل » کامل هدف گیری های این طرحها باروندهای جاری است . که انهم بعلت عدم توجه به ویژگیهای ساختاری وضع موجود ، درنهایت اختلال مداوم در روند پرأفت وخیز توسعه ء کشور را موجب میشود .

انچه دراین وضعیت ، بران تاکید داریم این استکه : مسئله عمده پیش رو فعلا **تشدید** این روند است . اگرچه وجود ساخت وسازهای غیرمجازویا حاشیه نشینی بطورکلی درنتیجه بقای توسعه نیافتگی وانهم ، حاصل طبیعی انکشاف اقتصاد مبتنی بربازاردروضعیت توسعه نیافتگی پیرامونی است . ورفع ویا تعدیل ان هم به تحقق توسعه و لاغیر بستگی دارد . اما تشدید شدن ان که بفرض وبعنوان مثال درسائو پالو برزیل طی دوسه دهه از از 1% عرصه شهر به 20% ان رسید ویا اینکه در شهر بانکوک طی دهه 80 و90 با سرمایه گزاری سالانه بیش از 5 میلیارد دلار در بخش ساخت وساز شهری انهم ، بطورعمده برپائی هزاران برج های مسکونی ، وضعیتی را بوجود اورد که برخلاف انچه به مردم شهرنوید میدادند ، ازانجلمه در سرلوحه فهرست نوید هایشان ازمیان رفتن الونک نشینی وساخت وسازهای غیر مجاز بود ، نه تنها از شمارالونک نشینی کاسته نشد بلکه ، شمار الونک نشینهای حول شهر را به 300 هزار خانوار رساند ! (رج به ، «جهانی شدن وشهرنشینی در توسعه نیافتگی » از ژوان سِته ویتکا فرِّیرا همین سایت) وبهمین صوورت درتهران خودمان ، هم اکنون گسترش حاشیه نشینی ، ساخت وسازهای غیر مجاز ، شتاب فزاینده ای را به خود گرفته است .

بنابراین، هرچند حاشیه نشینی وگسترش شهری غیر مجاز، بطور کلی یکی از چالش های تعیین کننده توسعه وتحول بخش شهری کشور است ، تعدیل واز میان رفتن انهم از نظر این سایت فقط در صورت تسریع توسعه درهمه ابعاد اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فیزیکی- فضائی انهم بتدریج قابل تحقق است ؛ اما فعلا" مشکل اصلی پیش رو تشدید روند گسترش شهری غیرمجازدر شرایط کنونی است . بنابراین ، با شناسائی مشخص ومستدل عواملی که با عث تشدید ان میشوند همانگونه که در بحث « ضرورت تدوین :

استراتژی توسعه در بخش شهری کشور»، همین سایت ، مطرح گردید ، میباید درگام های نخست این استراتژی با واقع گرائی وتامل وتعمق لازم درروند های جاری ، نخست سیاست گزاری وهدف گیری هائی که خصلت تشدید معضلات روندهای مورد بحث را دارند ، کنار گزارده شوند . غرض هدف گیری هائیست که زمینه را برای مزید برعلت شد ن های متنوع فراهم میاورند . ازان جمله بعنوان نمونه ، میتوان به برخی ازانها مختصر اشاره ای داشت .

هنگامی که بدون توجه به ویژگیهای بسیار تعیین کننده ء روند کنونی جابجائی جمعیت واامکانات ، که با گرایش شدید به تمرکز در شهرهای بزرگ وبویژه در تهران مواجه است ، مبتنی بربرداشت های ساده انگارانه "تمرکز زدائی" را پی میگیریم ، بگونه ای سلبی ودستوری اهدافی نظیر : تعیین سقف جمعیتی برای کلان شهر ، محدود نمودن گسترش شهر ، ایجادباغ شهردر حریم ان ، وسایر پیشنهادهای در تناقض با واقعیت های موجود را ، مطرح مینمائیم . توجه ای به بیگانگی وتضاد کامل این اهداف با روند های در جریان نداریم ؛ در واقع بدست خود بن بست بعدی ومزیدبرعلت شدن ها را موجب میشویم .

چونکه ، هدف اصلی درهدایت توسعه شهری میباید بگونه ای باشد که ، بجای تشدید مشکلات وتبدیل انها به معضلات ، به رفع ویا حداقل تعدیل مشکلات بیانجامد . دراین صورت ، هدف باید هدایت توسعه وتحول شهری ای باشد که گام نخست ان بگونه ایجابی ، به توقف تشدید مشکلات – در این بحث ، توقف تشدید گسترش حاشیه نشینی ، ساخت وسازهای غیر مجاز ، بیانجامد . این امرهم بدون تجدید نظر اساسی در سیاست گزاری ها وبرحذر بودن از تقابل با گرایش های جاری از یک سو وفراهم اودن ، شرایطء بویژه سیاسی – نهادی لازم که تحقق چنین اهدافی را میسر گرداند براورده ، نخواهد شد .

اذر ماه 1389 مهدی کاظمی بیدهندی